

دکتر رابرت سی. نیومن، اناجیل هم‌نوا، درس هفتم، تفسیر تمثیل - تمثیل ضیافت عروسی

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

ما در اینجا به دوره خود در مورد انجیل‌های هم‌نوا ادامه می‌دهیم. ما در بخش ۵ مبحث «مَثَل‌ها» هستیم و پیش از این، کمی به تعاریف مَثَل‌ها و کمی هم به چگونگی عملکرد مَثَل‌ها به عنوان داستان، قیاس یا مثال پرداختیم. اکنون قصد داریم نگاهی به یک مَثَل خاص بیندازیم، و این مَثَل ضیافت عروسی در متی فصل ۲۲ تا ۱۴ خواهد بود.

ما دوباره با ترجمه خودم اینجا ادامه خواهیم داد و گهگاه به مواردی مرتبط با ترجمه اشاره خواهم کرد. متی و عیسی در پاسخ، دوباره با آنها با تمثیل صحبت کرد و گفت، پادشاهی آسمان مانند پادشاهی، ۲۲:۱ انسانی است که برای پسرش جشن عروسی گرفت و غلامانی فرستاد تا دعوت‌شدگان را صدا کنند، کسانی را که شاید قبلاً دعوت شده بودند، اما حاضر نبودند بیایند. سپس غلامان دیگری را فرستاد و گفت، به دعوت‌شدگان بگویید، ببینید، من غذایم را آماده کردم.

حراج و گاوهای پرواری من سر بریده شده‌اند و همه چیز آماده است. به جشن بیاید. اما برخی بی‌تفاوت بودند و رفتند، یکی به مزرعه‌اش، دیگری به مغازه‌اش.

بقیه غلامان او را گرفتند، مورد آزار و اذیت قرار دادند و کشتند. حالا پادشاه عصبانی شد. او ارتش خود را فرستاد، آن قاتلان را نابود کرد و شهرشان را به آتش کشید.

سپس به غلامان خود گفت: «جشن آماده است، اما دعوت‌شدگان شایسته نبودند. پس به دروازه‌های شهر بروید و هر که را یافتید به جشن دعوت کنید.» پس آن غلامان به راه‌ها رفتند و هر چه یافتند، چه بد و چه خوب، آوردند و جشن از مهمانان پر شد.

وقتی پادشاه برای دیدن مهمانان وارد شد، مردی را دید که لباس جشن بر تن نداشت. از او پرسید: «ای مرد چطور بدون لباس عروسی به اینجا آمدی؟» او ساکت ماند، احتمالاً مات و مبهوت. سپس پادشاه به او گفت: «ملازمان خود گفت: دست و پایش را ببندید. آنها را در تاریکی بیرون بیندازید.»

آنها آنجا گریه خواهند کرد و دندان‌هایشان را به هم خواهند سایید. زیرا بسیاری فراخوانده می‌شوند، یا بسیاری دعوت می‌شوند، اما تعداد کمی انتخاب می‌شوند، یا تعداد کمی انتخاب می‌شوند - روش‌های جایگزین. برای ترجمه آیه چهاردهم.

خب، این مَثَل ماست. بیاید سعی کنیم اینجا کمی آن را تحلیل کنیم. این مَثَل یک روایت است، خب، پس می‌توانیم با برخی از ویژگی‌های روایی به آن حمله کنیم.

شخصیت‌ها رو داره، ها؟ پادشاه رو داره، و خدمتکارها رو داره، و اونایی که اول دعوت شدن، و اونایی که بعدش دعوت شدن، و بعد اون یارو که لباس عروسی تنش نیست. پادشاه واقعاً همه حرف‌ها رو خیلی خوب می‌زنه. بعدش هم وقایع.

پادشاه برای ازدواج پسرش جشن عروسی ترتیب می‌دهد. خدمتکارانش را می‌فرستد تا مهمانان دعوت‌شده را صدا بزنند. مهمانان نمی‌آیند.

پادشاه درخواست دومی برای آنها می‌فرستد و برخی از این افراد کارهای بهتری برای انجام دادن دارند و برخی دیگر با خدمتکاران بدرفتاری می‌کنند یا آنها را می‌کشند. پادشاه عصبانی می‌شود، ارتش خود را می‌فرستد تا مهمانان را بکشند و شهر را ویران کنند، و سپس خدمتکارانی را می‌فرستد تا مهمانان جایگزین را پیدا کنند. آنها این کار را می‌کنند، هرچند همه این مهمانان خوب نیستند.

باید کمی در مورد آن فکر کنیم. پادشاه از تالار ضیافت بازدید می‌کند، مهمانی را با لباس نامناسب پیدا می‌کند و او را بیرون می‌اندازد. صحنه‌ها عمدتاً نامشخص هستند، اما احتمالاً ما به اتاق تاج و تخت یا چیزی شبیه به آن نگاه می‌کنیم که او خدمتکارانش را به آنجا می‌فرستد، و سپس هر جایی که مهمانان هستند، و احتمالاً در شهر هستند، و سپس تالار ضیافت وجود دارد.

طرح داستان. فکر می‌کنم ولیس در واقع بیش از یک طرح داستانی دارد. یکی از طرح‌ها، که اینجا کاملاً واضح است، رد شدن یک دعوت محترمانه است، و ممکن است از خود بپرسید که چه جریان‌های پنهانی در آن وجود دارد.

خب، به نظر من، پاسخ‌ها نشان‌دهنده‌ی بی‌تفاوتی و شورش هستند، و شورش مورد قضاوت قرار می‌گیرد، و سپس دعوتی محترمانه از دیگری که واقعاً می‌آیند، وجود دارد، اما بی‌تفاوتی نیز در آنجا مورد قضاوت قرار می‌گیرد. اگر به شگردهای وایلد برای داستان‌سرایی فکر کنیم، خلاصه، این برای یک تمثیل کمی طولانی است، اما برای داستان کوتاه است. بله، یکپارچه، اما با یک بسط تا حدودی غیرمعمول در پایان، این تغییر به این مهمان دیگر.

تعداد محدودی از کنش‌ها یا تعداد محدودی از بازیگران، ببخشید، قانون دو نفر. خب، پادشاه، خدمتکاران مهمانان، مهمانانی که به طور نامناسبی در جمع قرار گرفته‌اند، تعداد قابل توجهی بازیگر، اما فقط دو نفر از آنها واقعاً صحبت می‌کنند. بله، گفتمان مستقیم.

توسعه سریال، به جز فعالیت‌های ارتش، تا جایی پیش می‌رود که پادشاه ارتش خود را اعزام می‌کند و سپس به شما می‌گوید که با آن چه اتفاقی می‌افتد. ارتش شهر را به آتش می‌کشد اما سپس برمی‌گردد، احتمالاً تقریباً در همان زمانی که او آنها را اعزام کرده بود، و از پادشاه می‌خواهد که خدمتکاران دیگری را برای آوردن مهمانان اضافی برای پر کردن آن مکان بفرستد. قانون سه: خب، سه دعوت وجود دارد که خیلی واضح نیست، اما خب، حتی ممکن است چهار دعوت باشد، بنابراین سه دعوت وجود دارد که واضح است.

او اولین خدمتکاران را می‌فرستد، آنها رد می‌شوند، دوباره آنها را به همان گروه می‌فرستد، و آنها نادیده گرفته می‌شوند یا با آنها بدرفتاری می‌شود، و سپس دعوت سومی را ارسال می‌کند که به این گروه جدید می‌رسد. و می‌توان گفت که ما سه پاسخ دریافت می‌کنیم. آنهایی که فکر می‌کنند کارهای بهتری برای انجام دادن دارند. آنهایی که خدمتکاران را کتک می‌زنند، و سپس این یکی که با لباس نامناسب ظاهر می‌شود، اگر دوست دارید.

تکرار، قطعاً در قانون سه با چیزهای تکراری آنجا، شما نوعی تکرار از این نوع را می‌بینید. تضاد دوتایی، سیاه در مقابل سفید، ممکن است در شخصیت مهمانانی که خیلی خوب به نظر نمی‌رسند دیده شود، اگرچه ما اینجا چیزی صریحاً در مورد مهمانان خوب بیان نکرده‌ایم، بسیار خوب، بنابراین در واقع فقط مهمانان بد را می‌بینیم. استرس را تمام کنید، خب، برخورد خشن با مردی که لباس نامناسبی پوشیده است قطعاً در پایان توجه را جلب می‌کند.

اغلب تمثیل‌ها، همانطور که وایلد می‌گوید، داستان‌سرایی هستند، در واقع، بنابراین داستان‌ها، همانطور که وایلد می‌گوید، با وارونه‌سازی به نتیجه می‌رسند، و ما این شخص را داریم که در سالن ضیافت است و سپس مطمئناً نوعی وارونه‌سازی در آنجا اتفاق می‌افتد. معمولاً دو سطحی است. خب، این یکی یک داستان

دو سطحی است، باشه؟ ما در زیر به لحن و حامل آن نگاه خواهیم کرد و نگاهی به دو سطحی بودن آن خواهیم انداخت. خب، این یک تمثیل است، و همانطور که وقتی شروع به فکر کردن در مورد آن می‌کنیم خواهیم دید، یکی از تمثیل‌های نمونه نیست، بنابراین نوعی قیاس است.

لحن کلام، که قبلاً توسط آیه آغازین اینجا مطرح شده است، جایی که عیسی می‌گوید پادشاهی آسمان مانند یک پادشاه انسانی است که ضیافت عروسی ترتیب داده و غیره. این شروع واقعی چیز دیگری را به شما نشان می‌دهد که در تمثیل‌های عیسی نسبتاً رایج است، و آن این سوال است که آیا وقتی او می‌گوید پادشاهی آسمان یا چیزی شبیه به این، شبیه است، و سپس معمولاً بلافاصله بعد از آن یک اسم می‌آورد، و سوال این است که آیا شما باید پادشاهی آسمان را با آن اسم، پادشاهی آسمان را با یک پادشاه یکی بدانید، یا اینکه پادشاهی آسمان را با کل داستان یکی می‌دانید، و باید نگاه کنید و ببینید کدام یک از این موارد رخ می‌دهد، و می‌بینید که هم در تمثیل‌های خاخامی و هم در تمثیل عیسی این شبیه است، و گاهی اوقات مورد بعدی است که ذکر می‌شود، اما اغلب کل داستان است. بنابراین این لحن چیزی در مورد پادشاهی آسمان به ما می‌گوید.

منظور از «وسیله نقلیه»، اتفاقاً این را به ما می‌گویند، داستان یک جشن عروسی است، و فکر می‌کنم تشبیه اصلی اینجا، در این وسیله نقلیه، پادشاه است، و اگر دوست داشته باشید، تأکید اصلی روی دعوت‌شدگان است، و بنابراین تشبیه این است که خدا برای انسان‌ها مانند پادشاه برای دعوت‌شدگان است. بنابراین شما در واقع تصویری بسیار بسیار رایج در تمثیل‌های عیسی و یک تصویر بسیار رایج در تمثیل‌های خاخامی دریافت می‌کنید، و آن خدا پادشاه است. اغلب، وقتی پادشاهی را چه در تمثیل‌های عیسی و چه در تمثیل‌های خاخامی می‌بینید، در بیش از نه مورد از هر ده مورد، پادشاه خداست.

بنابراین، تنها تمثیلی که می‌توانم از عیسی به ذهنم برسد و در آن اینطور نباشد، این است که پادشاهی که سرباز دارد و قرار است با کسی که ۲۰۰۰۰ سرباز دارد روبرو شود، نمی‌نشیند و نمی‌فهمد که آیا ۱۰۰۰۰ می‌تواند از پس این مشکل بربیاید یا نه. واضح است که اینطور نیست که خدا آنجا پادشاه نیست، اما شما باید تصور کنید که پادشاه هستید و فکر کنید که چگونه می‌توانید چنین چیزی را مدیریت کنید. نکات شباهت، من آنها را اینجا مانند زمانی که می‌خواستیم نکات شباهت دقیق سایدر را بررسی کنیم، ساختار نمی‌دهم، اما در داستان تنور، خدمتکارانی را دارید که دعوت‌کنندگان را صدا می‌زنند و از خود می‌پرسید، این با چه چیزی مطابقت دارد؟ خب، خدمتگزاران خدا، بنابراین شاگردان، مسیحیان، چیزی شبیه به این، و دعوت از گمشدگان، دعوت از افراد نجات نیافته برای آمدن به ضیافت خدا، اگر دوست دارید.

خب، اگر دوست دارید، این هم یکی دیگر از تشبیه‌ها یا نقاط تشابه است. فکر می‌کنم پاسخ به دعوت احتمالاً خیلی سراسر است. یعنی، آنها هم در مضمون و هم در حامل داستان، در مضمون، به یک شکل عمل می‌کنند.

بعضی‌ها اهمیت نمی‌دهند، باشه؟ اگر دوست دارید، آنها رفتن به مزرعه یا مغازه یا چیزی شبیه به آن را مهم‌تر می‌دانند، و به ما پیشنهاد می‌دهند که برخی که یک سخنرانی انجیل را می‌شنوند، اهمیت نمی‌دهند چیزهای دیگری برای آنها مهم‌تر است. واکنش دوم نوعی آزار و اذیت است، و فکر می‌کنم هنوز اتفاق زیادی از این نوع نیفتاده است وقتی عیسی مثل خود را می‌گوید.

ممکن است شاگردان از یک یا دو شهر یا چیزی شبیه به آن بیرون رانده شده باشند، اما آزار و اذیت واقعی تا بعد از مصلوب شدن و برخاستن عیسی شدت نمی‌گیرد، و سپس شاگردان شروع به رفتن می‌کنند. بنابراین در پاسخ به دعوت‌ها، اگر دوست دارید، برخی آزار و اذیت می‌کنند. و سپس در پاسخ سوم، برخی می‌آیند، و همانطور که برخی از دعوت‌شدگان به جشن عروسی می‌آیند، برخی از افرادی که ما آنها را برای آمدن به مسیح فرا می‌خوانیم، در واقع خواهند آمد.

ما نکات مشابه بیشتری را در پاسخ پادشاه می‌بینیم. او کسانی را که او را رد می‌کنند، داوری می‌کند و این در درجه اول فقط در مورد کسانی دیده می‌شود که با کتک زدن خدمتکارانش پاسخ می‌دهند، جایی که او آنها را داوری می‌کند، شهرشان را به آتش می‌کشد و آن قاتلان را می‌کشد، همانطور که در متن آمده است. اما ما دقیقاً نمی‌بینیم که او با کسانی که اهمیت نمی‌دهند چه می‌کند، مگر اینکه تصور کنیم آنها در همان شهر هستند.

اما فکر می‌کنم اساساً یکی از مواردی که خلاصه کردن یک تمثیل، همه موارد را دنبال نمی‌کند، همین است، همانطور که در تمثیل پوندها، داستان به دنبال مثال‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ هم نمی‌رود. علاوه بر این با پاسخ پادشاه، می‌بینیم که او سهل‌انگاری را تحمل نمی‌کند، و به نظر من، این در مورد مرد بدون لباس عروسی کاملاً واضح است. بنابراین، این نگاهی سریع به تمثیل به عنوان یک قیاس است.

در این زمینه، بررسی پیشینه مفید است. شنوندگان اولیه چه چیزی از این مثل خاص درک می‌کردند؟ اکنون قرن‌ها پس از وقایع، چیزهای بیشتری خواهیم فهمید و خواهیم دید که چگونه برخی از چیزها آشکار شده‌اند. اما آنها چه چیزهای دیگری را در پس‌زمینه دریافت می‌کنند؟

خب، برخی از نمادگرایی‌های آن. مثل‌های عیسی، مانند ری‌ها، اغلب از استعاره‌های رایج استفاده می‌کنند که اغلب از عهد عتیق گرفته شده‌اند. در این مثل، می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که پادشاه نمایانگر خداست و بدیهی است که این تصویری از عهد عتیق است. ملاکی و غیره می‌گویند: خدا پادشاه بزرگی است. و این بارها و بارها تکرار می‌شود.

و همانطور که گفتم، این موضوع به طور کاملاً استاندارد در تمثیل‌های عیسی و همچنین در تمثیل‌های خاخام‌ها دیده می‌شود. پس چرا خدا نمایانگر پادشاه است؟ استعاره رایج عهد عتیق، استعاره رایج عهد جدید. این با جریان تمثیل مطابقت دارد، به خصوص با توجه به نکات تفسیری در پایان.

تاریکی بیرونی، گریه و دندان قروچه در چندین تمثیل عیسی دیده می‌شود و به وضوح همان چیزی است که می‌توانیم آن را حسن تعبیر برای محکومیت ابدی بنامیم. دو نماد دیگر در اینجا به نظر می‌رسد ازدواج و ضیافت باشند. بنابراین، سوال این است که این نمادها چگونه استفاده می‌شوند؟ به ویژه، چگونه به صورت مجازی در عهد عتیق استفاده می‌شوند؟ خب، اول از همه، ازدواج.

ازدواج اغلب به صورت مجازی به خدا و قوم او اشاره دارد. برخی از نمونه‌ها عبارتند از اشعیا ۵:۵ تا ۷، نسخه به‌روز شده استاندارد جدید آمریکا، زیرا شوهر شما سازنده شماست، اشعیا به اسرائیل می‌گوید، که نامش خداوند لشکرها است، و نجات‌دهنده شما قدوس اسرائیل است که خدای تمام زمین نامیده می‌شود زیرا خداوند شما را فراخوانده است، مانند همسری که رها شده و در روح غمگین است، حتی مانند همسر جوانی که طرد شده است، خدای شما می‌گوید.

برای لحظه‌ای کوتاه، تو را ترک کردم، اما با شفقتی عظیم، تو را گرد هم خواهم آورد. بنابراین، در اینجا تصویری از خدا به عنوان شوهر و اسرائیل به عنوان همسر، و در اینجا همسری طرد شده وجود دارد که دوباره فراخوانده شده است، و به گمان من، به پایان عصر نگاه می‌کند. البته، هوشع فصل‌های ۱ تا ۳، تمثیلی بسیار قابل توجه در مورد ازدواج است که نشان‌دهنده رابطه بین خدا و اسرائیل است.

در آنجا، پیامبر در کتاب هوشع ۱-۲ راهنمایی می‌شود، زمانی که خداوند برای اولین بار از طریق هوشع سخن گفت، خداوند به هوشع گفت، برو و برای خودت زنی زناکار بگیر و فرزندان زناکار داشته باش، زیرا این سرزمین مرتکب زناکاری آشکار می‌شود و خداوند را رها می‌کند. و بنابراین همه چیز در مورد ازدواج هوشع با گومر، و سپس گومر و هوشع صاحب فرزند می‌شوند، یا حداقل گومر صاحب فرزند می‌شود، و در نهایت

او با دیگر معشوقانش فرار می‌کند و غیره، و سپس او بازگردانده می‌شود و در واقع زمانی را با نوعی وضعیت نامشخص می‌گذرانند، جایی که او با هیچ کس دیگری رابطه نخواهد داشت، اما با هوشع رابطه نخواهد داشت تا نشان دهد که چگونه خدا قبل از وقوع وقایع آخرالزمان با اسرائیل برخورد خواهد کرد. حزقیال فصل ۱۶ مطمئناً این ایده ازدواج خدا با قومش را مطرح می‌کند، و البته تفسیر سنتی غزل سلیمان نیز در همین راستا پیش می‌رود.

بنابراین این ازدواج است، و همانطور که می‌گوییم، این اغلب در کتاب مقدس به صورت مجازی به خدا و قومش اشاره دارد، و بنابراین برای شنوندگانی که به این گوش می‌دهند، این موضوع شناخته شده بوده است جالب اینجاست که این مثل عمده‌تاً در مورد یک ضیافت است، اما اتفاقاً به این نکته اشاره می‌کند که این یک ضیافت عروسی است، که البته از بسیاری از ضیافت‌های دیگر مهم‌تر خواهد بود، و سپس اتفاقاً به طور ضمنی اشاره می‌کند که این یک ضیافت عروسی پسر پادشاه است، و هیچ چیز بیشتری در این مثل به آن پرداخته نشده است، اما فکر می‌کنم به عنوان یک اشاره تفسیری در آنجا باقی مانده است. ضیافت، به عنوان یک نماد، در عهد عتیق چندان آشکار نیست، اما در عهد جدید و ادبیات ربی‌ها بیشتر دیده می‌شود.

با این حال، چند احتمال در عهد عتیق، اشعیا ۲۵ آیات ۶ تا ۸. خداوند لشکرها ضیافتی باشکوه برای همه مردم در این کوه آماده خواهد کرد. این کوه هر چه که باشد، ما نمی‌دانیم اشعیا هنگام اعلام این خبر کجا ایستاده است - ضیافتی از شراب کهنه، تکه‌های مرغوب با مغز استخوان و شراب کهنه تصفیه شده.

در این کوه، او پوششی را که همه مردم را پوشانده است، حتی حجابی را که بر همه ملت‌ها کشیده شده است، فرو خواهد بلعید. او مرگ را برای همیشه فرو خواهد بلعید، و خداوند خدا اشک‌ها را از همه، چهره‌ها پاک خواهد کرد، و ننگ قوم خود را از تمام زمین پاک خواهد کرد، زیرا خداوند گفته است. خب من می‌گویم که این کاملاً واضح است که نوعی آخرالزمانی است، صحبت در پایان، زیرا ظاهراً خدا را در حال از بین بردن مرگ از نسل بشر به تصویر می‌کشد، بنابراین نوعی ضیافت در پایان عصر در آنجا به تصویر کشیده شده است.

در مزمور ۲۳، مزمور چوپان، برخی سعی کرده‌اند کل مزمور را به این صورت بخوانند که خدا چوپان است و ما گوسفند، اما به نظر من در وسط مزمور، گذار از خدا چوپان و ما گوسفند، به خدا میزبان و ما مهمان در کاخ، یک میزبان پادشاه، و ما مهمان در کاخ وجود دارد. البته این برای داوود بسیار مناسب است، زیرا داوود پادشاه بود، ببخشید، داوود در جوانی چوپان بود و گوسفند داشت، یک گله خانوادگی، و سپس خدا سپس داوود پادشاه شد، و او مهمانان خانگی دارد، همانطور که در مورد پادشاهان نسبتاً رایج است، و ما در واقع نام چند نفر از آنها را می‌دانیم. مفیوشت، پسر یوناتان، به عنوان مهمان همیشگی و صرف غذا بر سر سفره پادشاه آورده می‌شود، و بعد از اینکه داوود از آبشالوم فرار می‌کند و برمی‌گردد، یکی از کسانی که در آن سوی رودخانه از او پذیرایی کرده بود، برزلائی است، و او پیرمردی است.

نمی‌دانم این او را چند ساله می‌کند، اما می‌گویند، می‌دانید، برای درک طعم غذا و برای درک موسیقی و رقص و غیره خیلی پیر است. بنابراین، او می‌گوید، کیم هام را در نظر بگیرید، و هرگز به ما گفته نمی‌شود که او کیست، اما تقریباً مطمئناً او پسر یا نوه یا کسی شبیه به او است، و بنابراین کیم هام می‌رود تا مهمان مادام‌العمر خانه پادشاه شود. بنابراین، وقتی مزمور ۲۳ می‌گوید، شما در حضور دشمنانم سفره ای برای من آماده می‌کنید، سر من را با روغن تدهین کرده‌اید، جام من لبریز شده است، احتمالاً در چنین موقعیتی با صحنه ضیافتی روبرو هستیم، که در آن داوود اکنون خود را به عنوان مهمان مادام‌العمر در خانه یک پادشاه می‌بیند، و خدا پادشاه است، و او مهمان است.

فقط یک مزمور قبل از آن، مزمور ۲۲، تصویر کسی که توسط دشمنانش احاطه شده بود و از این قبیل چیزها، آن مزمور با این جمله شروع می‌شود: خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی، و تمام فریاد این

، شخص درمانده، و سپس ناگهان در مثلاً ده آیه آخر به مزمور ستایش تبدیل می‌شود، و مزمورنویس می‌گوید ستایش من در جماعت بزرگ از تو می‌آید، من نذرهایم را در حضور ترسندگان او ادا خواهم کرد، رنجدیدگان غذا خواهند خورد و سیر خواهند شد، همه کسانی که او را می‌جویند، خداوند را ستایش خواهند کرد، بگذار قلبت تا ابد زنده بماند. این مثل یک ضیافت نذر است. یکی از رویه‌هایی که ما زیاد به آن نمی‌پردازیم، اما اینجا و آنجا در عهد عتیق به آن اشاره شده است، این است که برای نوع خاصی از قربانی، یعنی قربانی نذری، مقدار قابل توجهی از حیوان به قربانی‌کننده برمی‌گردد و آن شخص آن را آماده می‌کند و برای دوستانش غذا تهیه می‌کند و ظاهراً معمولاً در محوطه معبد جایی است، و اساساً این قربانی جشن برای اجابت دعای شخص توسط خدا چیست، که نذر بخشی از آن است، اگر این کار را برای من انجام دهی، پروردگارا، من این کار را خواهم کرد و غیره.

و بنابراین ظاهراً اینجا، ما تصویری از یک جشن نذر داریم، و با این حال قرار است خبر رهایی این شخص باشد که خدا او را رها کرده، دست‌ها و پاهایش سوراخ شده، کسی که، می‌دانید، در خاک مرگ افتاده، و زیانش به سقف دهانش چسبیده، و تمام استخوان‌هایش قابل مشاهده است، و غیره. او رهایی یافته است، و این خبر برای نسل‌ها به خبر جهانی تبدیل خواهد شد. در پایان آن جالب است.

، بنابراین اینجا دوباره صحنه‌ای از ضیافت را می‌بینیم، و به نظر من این صحنه، جنبه‌ی آخرالزمانی هم دارد بنابراین حداقل دو نفر از این سه نفر به نوعی ضیافت آخرالزمانی نگاه می‌کردند، و فکر می‌کنم این همان چیزی است که خاخام‌ها آن را ضیافت مسیحایی می‌نامیدند، که این اصطلاح اکنون در محافل انجیلی نیز استفاده می‌شود. بنابراین، ازدواج، رابطه‌ی خدا با بشر، یا به ویژه با قوم خود، ضیافت، به ویژه اگر دارای مفاهیم آخرالزمانی باشد، ضیافت مسیحایی و غیره. یکی دیگر از عناصر نمادین احتمالی، لباس است، بنابراین از دانش‌آموزانم در این برگه‌ی تمرینی که برای تکلیف دارند، می‌پرسم که چگونه لباس‌ها در عهد عتیق به صورت مجازی استفاده می‌شوند. بدیهی است که لباس‌ها به طرق مختلف، اما به چند روش، به صورت غیر مجازی استفاده می‌شوند. برای مثال، اگر به چهار یا پنج متن نگاه کنید، دوم تواریخ ۶:۴۱، مزمور ۱۶:۱۳۲ اشعیا ۶۱:۱۰ و ۱۱، خواهید دید که لباسی که برای نشان دادن نجات استفاده شده است، مثلاً در آخرین مورد از این متون، مزمور ۶۱:۱۰-۱۱، به کار رفته است.

من در خداوند بسیار شادمان خواهم شد، جانم در خدای من به وجد خواهد آمد، زیرا او مرا با جامه‌های نجات پوشانده است. او مرا با ردای پارسایی پوشانده است، چنانکه دامادی خود را با حلقه گل می‌آراید و، عروسی که خود را با جواهراتش زینت می‌دهد. زیرا چنانکه زمین جوانه‌های خود را بیرون می‌آورد و باغبان، بذرها را شکوفا می‌کند، خداوند نیز پارسایی و ستایش را در برابر دیدگان همه ملت‌ها شکوفا خواهد ساخت.

خب، اینجا تصویری از لباس‌هایی داریم که نمایانگر رستگاری، پارسایی و از این جور چیزها هستند. این ما را به ایده بعدی، یعنی لباس زیر، می‌رساند و آن پارسایی است. ما همین الان آن را دیدیم.

او مرا با ردای پارسایی پوشانده است، و این موضوع در مزمور ۱۳۲-۹، اشعیا ۵۹: ۱۵-۱۹ نیز آمده است، و اشعیا ۱۳۲: ۹ اینگونه به نظر می‌رسد. بگذارید کاهنان شما به پارسایی ملبس شوند، بگذارید پارسایان شما با شادی سرود بخوانند، و این را با زکریا ۳، ۱-۱۰ مقایسه کنید، جایی که کاهن اعظم لباس‌های کثیف پوشیده است، و شیطان او را در حضور خدا متهم می‌کند، و سپس خدا لباس‌های او را با لباس‌های خوب جایگزین می‌کند و غیره. بنابراین، پارسایی یا ناراستی، که معمولاً با تمیزی لباس‌ها نشان داده می‌شود، شاید بتواند با رنگ یا عدم رنگ نشان داده شود.

کاربردهای دیگری نیز برای جامه به صورت مجازی وجود دارد. مزمور ۱۳۲: ۱۸، جامه نماد شرم، اشعیا ۶۳: ۱-۶، جامه نماد انتقام، اشعیا ۵۲: ۱-۲، جامه نماد قدرت. بگذارید لحظه‌ای صبر کنم و کمی آب بنوشم، ۶۳: ۱-۶.

سوال دیگری که در برگه‌ی راهنمایمان از آنها پرسیدم، علاوه بر این عناصر نمادین، این است که آیا در این تمثیل، نشانه‌های پیش‌بینی‌کننده‌ای می‌بینید که اکنون با نگاه به صدها سال بعد، واضح‌تر شده باشند. و من پیشنهاد دادم که فکر می‌کنم دو مورد از آنها را دیده‌ام. یکی، این نکته که پادشاه ارتش خود را برای نابودی شهرشان فرستاد، اکنون بسیار واضح‌تر است زیرا می‌دانیم که اورشلیم در سال ۷۰ میلادی توسط رومی‌ها ویران شد. شما می‌گویید رومی‌ها ارتش خدا هستند؟ آیا آنها افراد بدی نیستند؟ خب، بله، اما این هم یک مضمون کتاب مقدس است.

خدا در اشعیا ۱۰ آشور را می‌فرستد، و خدا بابلی‌ها را در حبقوق، و بله، اما اگر دوست دارید، خدا از هر کسی که بخواهد برای اجرای این نوع مجازات استفاده می‌کند. تصویر دیگر، تصویر مهمانان اصلی که دعوت را رد می‌کنند و با گروه دوم جایگزین می‌شوند، اکنون با توجه به رد رسمی عیسی توسط مقامات یهودی در طول ۲۰۰۰ سال گذشته و گسترش انجیل به سایر ملت‌ها در سراسر جهان، واضح‌تر است. در زمان اولیه‌ای که این خبر شنیده شد، مردم ممکن است بیشتر به این فکر می‌کردند که فریسیان عیسی را رد کردند و مردم فقیر عیسی را پذیرفتند، که مطمئناً در آن زمان جریان داشت.

و در تمثیل نسبتاً مشابه در لوقا از شام بزرگ، که یک شهروند عادی است نه یک پادشاه و از این قبیل فکر می‌کنم شما این را کمی صریح‌تر توضیح داده‌اید، رفتن به شهر برای پیدا کردن افرادی برای پر کردن لیست مهمانان، و سپس وقتی آنها را پیدا نکردید، رفتن به خارج از شهر و از این قبیل، که شاید تصویر بهتری از آن ارائه دهد زیرا دو دسته مهمان جایگزین در آنجا وجود دارد. چه نوع درس‌هایی ممکن است در اینجا پیدا کنیم؟ و امتحان کردن آن به این روش جالب است. چه نوع درس‌هایی ممکن است برای شنوندگان اولیه عیسی پیدا کنیم، سپس چه نوع درس‌هایی ممکن است برای مسیحیان اولیه پیدا کنیم، و سپس چه نوع درس‌هایی ممکن است برای ما امروز پیدا کنیم که حداقل قرن‌های زیادی از تاریخ کلیسا را دیده‌ایم که مسیحیان اولیه نمی‌دیدند.

خب، برگردید و به مخاطبان اصلی فکر کنید. واضح است که در میان کسانی که به مزرعه و مغازه خود می‌روند و آن کسی که با لباس نامناسب وارد می‌شود، خطر سهل‌انگاری در دعوت خدا کاملاً مشهود بوده است. در مورد کسانی که خدمتکاران و غیره را کتک زدند و برخی از آنها را کشتند، مخاطبان اصلی مطمئناً تصویر کاملی از حماقت از یک سو و شورش از سوی دیگر و رد پیشنهاد پادشاه را دیده‌اند.

منظورم این است که، یک لحظه فکر کنید. چند بار تا به حال به ضیافت عروسی یک پادشاه دعوت شده‌اید؟ خب، ما در یک جامعه سلطنتی زندگی نمی‌کنیم، بنابراین احتمالاً هرگز. خب، چند بار به نوعی ضیافت ریاست جمهوری دعوت شده‌اید؟ دوباره پاسخ دهید: احتمالاً صفر.

یا چند بار به نوعی به مراسم فرمانداری ایالت خود دعوت می‌شوید؟ یا حتی به نوعی به پذیرایی شهردار شهرتان؟ فکر می‌کنم اکثر آنها باید بگویند هرگز، باشه؟ بنابراین، این نوعی از چیزی است که یک بار در طول زندگی اتفاق می‌افتد، و اینجا این پیشنهاد می‌شود، و این افراد به مزرعه خود می‌روند، به مغازه خود می‌روند و غیره. این یک چیز بسیار احمقانه است. فکر می‌کنم مخاطبان اصلی نیز آن را دیده‌اند، با توجه به اینکه آنها بین پادشاه و خدا ارتباط برقرار می‌کنند، که این هشدار از خشم آینده است، و مطمئناً از قبل پیشینه خوبی در عهد عتیق دارد، بنابراین این موضوع در این تمثیل خاص مرموز نخواهد بود.

حالا تصور کنید که داریم به مسیحیان اولیه نگاه می‌کنیم که به این موضوع نگاه می‌کنند، و برخی از اینها ممکن است قبل از ۷۰ سالگی و برخی بعد از ۷۰ سالگی باشند، از این قبیل چیزها. خب، این شخص هست که وارد می‌شود اما بیرون انداخته می‌شود. و این چه ربطی دارد؟ خب، مطمئن نیستیم که این چه پیامی به مخاطبان اولیه می‌داد، اما برای مسیحیان اولیه، آنها از قبل می‌دیدند که یهودیت رسمی اورشلیم، مسیح را رد

کرده و از این قبیل چیزها و اینکه اکنون تعداد زیادی غیریهودی وارد کلیسا می‌شوند، و با این حال این شخص کیست که ردا را ندارد و غیره؟ خب، این خطر وجود دارد که مسیحیان مدعی، دعوت را سرسری بگیرند.

سوالی که اغلب مطرح می‌شود این است که آیا خدا لباس را فراهم می‌کرد، آیا پادشاه لباس را برای این مهمان فراهم می‌کرد، یا از مهمان انتظار می‌رفت که لباس خودش را داشته باشد؟ و من شنیده‌ام که مردم بلافاصله در این مورد پاسخ‌های بسیار متعصبانه‌ای می‌دهند، اما این تمثیل چیزی به ما نمی‌گوید. و شما می‌گویید خب، آیا پادشاهان همیشه لباس فراهم می‌کنند؟ و فکر می‌کنم پاسخ منفی است، اما گاهی اوقات این کار را می‌کنند. بنابراین، شما دو گزینه احتمالی دارید.

شما یک بله و یک خیر دارید. اگر پادشاه لباس را فراهم کند، پس از نظر الهیات مسیحی، دیدن آن آسان است، زیرا این عدالت خداست که به کسانی که به عیسی ایمان دارند، عطا کرده است. و بدون آن، شما در ضیافت نیستید.

باشه. آگه به لباس به عنوان چیزی که پادشاه فراهم کرده نگاه نکنیم، بلکه به عنوان چیزی که شما فراهم می‌کنید نگاه کنیم، چطور؟ خب، این به چیز دیگه‌ست. و اون اینه که، کسی که واقعاً مؤمن باشه، به شکلی خاص در سبک زندگی به کاری که پادشاه خدا براش انجام داده واکنش نشون می‌ده.

و او سعی خواهد کرد زندگی خود را پاک کند و از این قبیل چیزها. و ما توجیه کتاب مقدس برای این نوع تصویر را می‌بینیم. برای مثال، به داوری گوسفندان و بزها و آنچه عیسی به آنها می‌گوید فکر کنید.

به همان اندازه که این کارها را با دیگران کردی، با من هم کردی. و این مربوط به لطف خدا به مؤمن نیست. این مسلماً چیز بزرگی است.

این درباره واکنش ماست. و بنابراین، به نظر من عیسی ظاهراً عمداً این ابهام را باقی گذاشته است تا هر دو برداشت را داشته باشد. بنابراین، خطری که مسیحیان اولیه را تهدید می‌کند، خطر سهل‌انگاری مسیحیان مدعی دعوت است، یا با این فکر که نیازی به لطف خدا ندارند یا با این فکر که چون لطف خدا را دریافت کرده‌اند، دیگر نیازی به انجام کاری ندارند.

بنابراین، ممکن است از یک سو به مخالفان و از سوی دیگر به افرادی فکر کنید که احساس می‌کنند نیازی به فیض الهی ندارند. بنابراین، شاید هر دوی این خطرات در آنجا اشاره شده باشد. در این متن اشاره‌ای به انجیل برای غیریهودیان نیز وجود دارد.

و کاملاً محتمل است که مخاطبان اصلی اصلاً آن را ندیده باشند. اما مسیحیانی که از یک قرن یا چیزی شبیه به آن به گذشته نگاه می‌کنند، مطمئناً متوجه شده‌اند که این مجموعه مهمانان دیگر وجود دارند، از جمله اینکه آنها چه کسانی هستند و چه کسانی ممکن است باشند و غیره. و سپس، وقتی از ۷۰ سالگی گذشته‌اید، می‌بینید که شهر ویران شده است.

و این، برای مخاطبان اصلی، بیشتر یک هشدار بود. البته، اگر آنها به تمام آنچه عیسی گفته بود، مطمئناً به تمام گفتمان یا چیزی شبیه به آن گوش می‌دادند، می‌دیدند که چنین هشدار به صراحت در آموزه‌های عیسی وجود دارد. اما در اینجا، که با تخریب اورشلیم پس از سال ۷۰ میلادی تأیید شده است، مطمئناً از مثلاً، ۳۰، ۳۳، هر زمان که خدمت عیسی بر روی زمین تا سال ۷۰ به پایان رسید، یهودیان ممکن است احساس کنند که از شر این مسیح جعلی خلاص شده‌اند.

و ببینید، ما به سختی این یهودیت معتبر را داریم، و شماها همان آشغال‌هایی هستید که، همانطور که پولس خودش می‌گوید، از حواریون به عنوان زباله‌های زمین و از این قبیل چیزها یاد می‌کنید. اما بعد از سال ۷۰ میلادی، تمام معبد، دولت و اورشلیم به فنا رفتند و اوضاع کمی متفاوت به نظر رسید، اگرچه مسیحیان حتی در آن زمان به هیچ وجه پیروز نبودند. خب، فکر می‌کنم باید به این فکر کنیم که این موضوع امروز برای ما چگونه به نظر می‌رسد. چه چیزهایی ممکن است ببینیم؟ خب، بخش جلویی این ماجرا رحمت عظیم خدا را در دعوت از گناهکاران به ما نشان می‌دهد.

اینجا، این پادشاه از قبل این افراد را دعوت کرده است، و ظاهراً خدمتکاران می‌دانند که دعوت‌شدگان چه کسانی هستند، و احتمالاً دعوت‌شدگان نیز این را می‌دانند. و حالا خدمتکاران می‌آیند تا به مردم بگویند که جشن آماده است، بیایید. این کمی با جامعه ما که ایمیل و دعوت‌نامه دارد و از شما انتظار می‌رود که دعوت‌نامه را دریافت کنید و بعد با کمی عدم اطمینان در مورد زمان دقیق شروع جشن به دلیل آماده شدن همه چیز و از این قبیل موارد، اینجا حاضر شوید، متفاوت است.

آنها خدمتکارانی را به اطراف می‌فرستند. می‌توانید ببینید که خدمتکاران می‌آیند تا هامان را به ضیافت ببرند و غیره. خب، پس رحمت عظیم خدا گناهکاران را دعوت می‌کند، و سپس حماقت عظیم انسان را در رد دعوت بخشوده‌اش می‌بینید.

شما علاوه بر رحمت عظیم خدا، خشم و داوری عظیم خدا که بر کسانی که با قوم او بدرفتاری کرده و شهرشان را ویران کرده‌اند و از این قبیل چیزها نازل می‌شود، چیز دیگری را نیز می‌بینید. اما خشم و داوری خدا را بر این شخص دیگر که آنجاست اما لباس مناسب را نبوشیده نیز می‌بینید. و این ما را به آخرین مورد می‌رساند، که باید امروز بتوانیم آن را ببینیم، و آن این است که مسیحیان مدعی نباید بر خدا فرض کنند.

ما نباید در آماده‌سازی خود برای ضیافت مسیحایی، به اصطلاح، طوری رفتار کنیم که انگار رفتن به مزرعه یا مغازه‌مان از نوع سبک زندگی‌مان و آماده شدن و از این قبیل چیزها مهم‌تر است. خب، بحث ما در مورد تمثیل‌ها همین است. چیزهای زیادی می‌توان گفت، اما این تلاشی است برای نگاهی به برخی از آنها.

حتی می‌توان چیزهای بیشتری در مورد آن مَثَل خاص گفت، اما این یک مَثَل بسیار قدرتمند از رحمت خدا و در عین حال داوری خدا، هشدار از خشم آینده و لزوم واکنش درست انسان‌ها است. بسیار خب، به آنچه در بخش ششم، جلسه ششم، در دوره آموزشی انجیل‌های هم‌نوا می‌گوییم، می‌رسیم و این «انجیل‌ها به عنوان آثار ادبی» است. و در اینجا قصد داریم در مورد چندین نوع چیز فکر کنیم.